

بررسی وضعیت اقتصادی و تجاری اصفهان در دوره سلجوقی

بدرالسادات علیزاده مقدم*: ملیحه زمانی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور اصفهان؛ کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: (۹۵/۱۰/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۶/۲/۱۳)

ANALYSIS OF THE ECONOMIC AND COMMERCIAL SITUATIONS OF ESFAHAN IN SALJUKID ERA

Badr-al Sadat Alizade Moghaddam; Malihe Zamani

Member of the Academic Staff of the History Department at Payam-e Noor University of Isfahan;
M.A. Student in History of Islam at the University of Isfahan

Received: (2017/05/03)

Accepted: (2016/12/23)

Abstract

One of the most prominent eras in the history of the city of Esfahan was the governing era of Saljukid dynasty, such that the historians in that era have considered the city as *Kheir-ol Belad* / city of welfare. One of the effective factors in importance of Esfahan in Saljukid era was undoubtedly the economic and commercial conditions of this city. Relying on historical data and by the descriptive/analytical approach, this study tries to explain the effective factors in development of the economic and commercial conditions of Esfahan in Saljukid era. The main question that this paper is dealing with is about the factors that have flourished Esfahan economic and commercial situations in Saljukid era. In responding to the above question, the assumption to considered that in addition to understanding the appropriate facilities of the city of Esfahan, the great rulers of Saljukid dynasty (429-485 H.) played an effective role in that era, by creating sustainability, security and making proper financial and civil policies decisions, in supporting the producers and industrial people.

Keywords: Esfahan, Great Saljukid rulers, economy, commerce

چکیده

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ شهر اصفهان، دوره حکمرانی سلجوقیان است. چنان‌که مورخین این دوره از این شهر با نام "خیر البلاد" یاد کرده‌اند. بدون تردید از جمله عوامل مؤثر در اهمیت اصفهان دوره سلجوقی، وضعیت اقتصادی و تجاری این شهر بوده است. این پژوهش بر آن است که، با تکیه بر داده‌های تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی، به تبیین عوامل مؤثر در رونق و اعتلای وضعیت اقتصادی و تجاری اصفهان در عهد سلاجقه بپردازد. پرسش اصلی که این مقاله بر اساس آن سامان یافته، این است که چه عواملی سبب اعتلا و شکوفایی اوضاع اقتصادی و تجاری اصفهان عصر سلجوقی بوده است؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۲۹-۴۸۵ق)، علاوه بر درک امکانات و شرایط مناسب شهر اصفهان، با ایجاد ثبات و امنیت و اتخاذ سیاست‌های مالی و عمرانی مناسب، در جهت حمایت از تولیدکنندگان و صنعتگران، نقش مؤثری در رونق اقتصادی و تجاری اصفهان در این دوره ایفاء کردند.

واژه‌های کلیدی: مشروطه، کاشان، چالش اقتصادی، کلمات

انجمن، رساله انصافیه

۱. مقدمه

اصفهان یکی از شهرهای قدیمی و معتبر ایران است که در طول حیات طولانی خود فراز و فرودهای بسیاری دیده است. از جمله دوره‌های برجسته تاریخ اصفهان، حیات این شهر در دوره سلجوقیان است. هدف این پژوهش، بررسی اوضاع اقتصادی و تجاری شهر اصفهان در دوره سلجوقیان، به‌ویژه سلاجقه بزرگ، است. اگرچه پژوهش‌های متعددی در خصوص دوره سلجوقیان صورت گرفته، اما از سوی پژوهشگران این دوره، پژوهش مستقلی درباره اوضاع اقتصادی و تجاری اصفهان در دوره سلجوقی، صورت نگرفته است. یوسفی‌فر در تألیف خود درباره سلجوقیان، با بیانی مختصر، به بازار و بازاریان در این دوره پرداخته و اشاره‌ای نیز به اصفهان و وضعیت راه‌ها و کاروانسراهای این شهر داشته است (یوسفی‌فر، ۱۳۷۳: ۲۳۵). احمد کمال‌الدین حلمی نیز، در دولت سلجوقیان، ضمن پرداختن به بالاگرفتن درگیری‌های فرقه‌ای - به‌ویژه پس از مرگ ملک‌شاه - تنها به اشاراتی درباره تأثیر درگیری‌های فرقه‌ای در ویرانی و عدم رونق حیات اقتصادی این شهر اکتفا کرده است (حلمی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). در تاریخ ایران کمبریج نیز، پس از پرداختن به ساختار درونی دولت سلجوقی و بیان شهرها و طبقات اجتماعی آن، اشاره بسیار مختصری به اصفهان و رونق بازار آن شده است (بویل، ۱۳۶۶: ۲۶۵/۵). صدقی نیز در پژوهش خود ضمن بررسی تجارت در دوره سلجوقی اشاره‌ای گذرا نیز به راههای تجاری ایران در این دوره و تأثیر پایتختی اصفهان در رونق تجاری این شهر داشته است. (صدقی، ۱۳۷۸: ۷۰) خیراندیش نیز در مقاله‌ای درباره تجارت دریایی دوره سلجوقیان، تنها به

اصفهان، به عنوان مرکز سیاسی سلاجقه و یکی از شهرهای مهم در صدور برخی از کالاهای مهم صادراتی پرداخته است. (خیراندیش و خلیفه، ۱۳۸۶: ۸۲) کجباف نیز به درگیری‌های فرقه‌ای در این شهر، در دوره سلجوقیان پرداخته و به تأثیر این درگیری‌ها بر حیات اقتصادی این شهر، پس از مرگ ملک‌شاه سلجوقی، اشاره‌ای گذرا داشته است (کجباف، ۱۳۸۶: ۱۴۰). بدین ترتیب، با توجه به فقدان وجود پژوهش مستقلی در باب وضعیت اقتصادی و تجاری اصفهان در دوره سلاجقه - به‌عنوان مرکزیت سیاسی امپراطوری سلجوقی - لزوم پرداختن به این امر ضروری به‌نظر می‌رسد.

از این رو، مقاله حاضر این مسئله را دنبال می‌کند که چه عواملی موجبات اعتلا و شکوفایی اوضاع اقتصادی و تجاری اصفهان عصر سلجوقی را فراهم آورده بود؟ در پاسخ به سؤال فوق، این فرضیه مطرح می‌شود که سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۲۹-۴۸۵ق)، علاوه بر درک امکانات و شرایط مناسب شهر اصفهان، با ایجاد ثبات و امنیت و اتخاذ سیاست‌های مالی و عمرانی مناسب در جهت حمایت از تولیدکنندگان و صاحبان حرف، نقش مؤثری در رونق اقتصادی و تجاری اصفهان در این دوره ایفاء کرده‌اند.

۲. وجه تسمیه و جغرافیای تاریخی اصفهان

از این شهر در منابع با نام‌های گوناگونی همچون «جی» یا «گی» یا «گابای» (هنرفر، ۱۳۸۳: ۵۹) و «اسپادانا» (مارکورات، ۱۳۸۳: ۲۷) و «اصبهان» (یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۱/ ۲۹۲) و «سپاهان» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۲) و «صفاهان» (ترکمان، ۱۳۸۷: ۹۴۸) یاد شده است. در برخی منابع، در باب وجه تسمیه اصفهان آمده است که نام این شهر را به

سپاهیان مناطق جنوب ایران (کرمان، فارس، خوزستان)، از اعتبار خاصی برخوردار شد. بسیاری برآند که نام اصفهان یا اسپهان برگرفته از همین خصوصیت تجمع سپاه در آن بوده است (هنرفر، ۱۳۸۳: ۶۵؛ شفقی، ۱۳۸۱: ۲۴۹). علاوه بر این، در این دوره اصفهان در شاهراه مواصلاتی که جاده ابریشم را به فارس و بنادر آن متصل می‌کرد، نقش ارزنده‌ای را ایفاء نمود (چکنگی، ۱۳۷۵: ۲۷). منابع از وجود کشاورزی پررونق و کارگاه‌های متعدد ابریشم‌بافی حکایت کردند که، با حمایت دربار ساسانی، در این شهر دایر شده بود (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). مهارت این کارگاه‌ها به تدریج به جایی رسید که اصفهان خود نیز در بافت و صدور نوعی پارچه ابریشمی (عتابی) از اشتها ویژه برخوردار شد (راوندی، ۱۳۶۴: ۵۵۹). حمله اعراب به اصفهان و تصرف آن (۱۹ق)، اگرچه رونق اقتصادی اصفهان را به‌طور مقطعی دچار اختلال کرد (حموی، ۱۹۵۵: ۲۹۶/۱) اما از یک سو، به‌واسطه جایگاه جغرافیایی این شهر - به‌عنوان یکی از راههای اصلی دسترسی به ایالت جبال و شاهراه مواصلاتی ایران مرکزی و خلیج فارس - و از سوی دیگر به دلیل کشاورزی پررونق و حاصلخیزی اراضی و وجود رودخانه پیر آب که یعقوبی آب آن را منشاء نهر اهواز دانسته است (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۱۱۷)، زمینه احیای دوباره حیات تجاری و اقتصادی اصفهان فراهم شد. این ویژگی‌ها، به‌خصوص در دوره آل بویه و در پرتو توجه امرای ایشان، به‌ویژه در دوره حاکمیت سلاطین اولیه آل بویه، اصفهان را به یکی از ثروتمندترین و آبادترین شهرهای ناحیه جبال مبدل کرد؛ چنان‌که ابن‌حوقل این شهر را از حیث ثروت، جمعیت، بازرگانی، رفت و آمد مسافران، از دیگر

نام اصفهان بن فلوج بن سام بن نوح، «اصفهان» خوانده‌اند (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۹۶). برخی دیگر نیز معتقدند این شهر به دستور اسکندر و به دست معماری بنام جی بن زراده اصفهانی بنا شده و به نام او شهرت یافته است (مافروخی، ۱۳۱۲: ۳۱). ابوالفدا نیز، در باب نام گذاری این شهر، به نام سپاهان، معتقد است که این ناحیه را سپاهان می‌گفتند از آن‌رو که پیش از اسلام، به هنگام وقوع جنگ، سپاهیان فارس و کرمان و اهواز در آنجا گرد می‌آمدند (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۸۹)؛ همچنین، برخی نام اصفهان را هم‌ریشه با واژه اسب دانسته و آن را شهر اسپها یا سرزمین شهبوران نیز دانسته‌اند (سعیدی، ۱۳۷۹: ۲۷۳/۹). به نظر می‌رسد از این شهر تاریخی، از دوره مادها تا ظهور ساسانیان، به‌عنوان گی، جی، گابای و به‌عنوان بخشی از پارس علیا نام برده شده است (هنرفر، ۱۳۸۳: ۵۹)، سپس با ظهور ساسانیان و اهمیت یافتن این شهر، به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تجمع سپاه ساسانی، نام گی به اسپهان تغییر یافت و سرانجام با ورود اسلام به ایران و تصرف این شهر، این نام نیز به اصفهان و سپس اصفهان مبدل گردید (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۱۹).

اما به لحاظ جغرافیایی نیز، شهر اصفهان در قلب فلات مرکزی ایران قرار دارد. این شهر، به لحاظ جغرافیایی، در ۳۸ دقیقه و ۵۱ درجه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی، در جلگه‌ای حاصل از آبرفت‌های زاینده رود واقع است (سعیدی، ۱۳۷۹: ۱۶۹/۹). به نظر می‌رسد که از عهد باستان، اصفهان در جغرافیای ایران از موقعیت خاصی برخوردار بوده است. اهمیت این شهر چنان بود که در دوره ساسانیان، ولیعهدنشین دولت ساسانی بود و به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تجمع

شهرهای جبال فراخ نعمت‌تر و پهناورتر می‌داند (همان، ۱۳۴۵: ۱۰۶)؛ اما این وسعت و فراخی نعمت، در اصفهان دیری نپایید و با آغاز درگیری‌های اواخر این دوره و تهاجم سپاه سلجوقی، همراه با بلایای طبیعی، همچون بروز قحطی، حیات اجتماعی و اقتصادی این شهر دوباره به مخاطره افتاد.

۳. حیات سیاسی اصفهان در دوره سلاجقه بزرگ

طغرل، بنیان‌گذار سلسله سلجوقی، پس از تصرف نواحی مختلف ایران، برای نخستین بار، اصفهان را در سال ۴۳۸ق مورد حمله قرار داد، اما قادر به گشودن آن نشد. پس از این واقعه، اگرچه فرامرز کاکویه، آخرین حکمران خاندان کاکویه در اصفهان، بارها توانسته بود با تعهد پرداخت خراج از تصرف اصفهان توسط طغرل جلوگیری نماید، اما اهمیت خاص اصفهان به لحاظ سیاسی و نظامی، در کنار پیمان‌شکنی‌های مکرر خاندان کاکویه در برابر سلطان سلجوقی، سرانجام موجب محاصره شدید اصفهان (۴۴۲ق) و عدم قبول مصالحه از جانب طغرل سلجوقی شد. در این محاصره که یکسال به طول انجامید، آخرین نفس‌های اقتصاد اصفهان به تلاطم افتاد؛ بازارها و کارگاه‌ها به کلی تعطیل شد و رونق و تلاش از بازار و کسب و کار رخت بریست (ابن‌اثیر، ۱۳۶۵: ۱۶/۲۶۶). شدت محاصره اصفهان و جلوگیری از رسیدن آذوقه و خواربار و مواد سوختی در سرما و برودت شدید هوا، کار را به جایی رسانده بود که مردم، جهت تهیه هیضم، ناچار از استفاده و سوزاندن چوب‌های مسجد جامع شده بودند (جابری انصاری: ۱۳۲۱، ۲۳). سرانجام، علیرغم مقاومت شدید مردم اصفهان، سرمای شدید و کمبود آذوقه مردم را ناچار به تسلیم کرد و این در حالی بود که،

در جریان این محاصره، آسیب زیادی هم به اصفهان و هم به روستاهای اطراف آن وارد آمد (ابن‌اثیر، ۱۳۶۵: ۱۶/۲۶۶-۲۶۶). پس از تصرف اصفهان، علیرغم آنکه مردم شهر نسبت به قوای سلجوقی التفاتی نداشتند و بارها سر به مخالفت و طغیان برداشته بودند، اما طغرل اهتمام ویژه‌ای جهت آبادانی دوباره این شهر و ترفیه حال ساکنان آن مبذول داشت (کسای، ۱۳۵۸: ۱۹۱) و مدت دوازده سال، این شهر را اقامتگاه خود قرار داد و در مواقع دیگر نیز غالباً یکی دو ماه متوالی در اصفهان اقامت می‌کرد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۵). پس از مرگ طغرل (۴۵۵ق)، در دوره سلطنت آلب ارسلان و وزارت خواجه نظام الملک، شهر اصفهان همچنان مورد توجه خاص دربار سلجوقی بود؛ چنان‌که آلب ارسلان اصفهان را برای اقامت ولیعهد خود، ملکشاه، انتخاب نمود. به نظر می‌رسد که رونق و اعتلای اقتصادی و تجاری اصفهان در این دوره، همراه با طبیعت زیبا و به‌ویژه عبور رودخانه زاینده‌رود، از جمله عواملی بود که ملکشاه را بر آن داشت که پس از قتل پدرش (۴۶۵ق)، اصفهان را رسماً پایتختی خویش کند (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۳۲). در این دوره، که به قول مورخان «بهار آن دولت و اختیار آن سلطنت بود» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۴۳۴)، اهمیت سیاسی اصفهان نیز دوچندان شد؛ در واقع، انتخاب اصفهان به پایتختی، توان تازه دیگری به حیات اقتصادی و تجاری اصفهان بخشید و اصفهان را به عروس شهرهای ایران مبدل کرد. ملکشاه سلجوقی و وزیرش، خواجه نظام الملک طوسی، نیز نسبت به اعتلای اصفهان، به‌عنوان خیر البلاد در ناحیه عراق (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۲)، اهتمام وافر مبذول داشتند و اقدامات و تدابیر سلاطین سلجوقی قبل را، در باب اعتلای اصفهان،

شهر انجام شد. از جمله اقدامات مهم طغرل در جهت ایجاد آرامش و تأمین امنیت، واگذاری مناصب کلیدی این شهر به افراد کاردان و لایق ایرانی بود. چنان‌که وی، پس از تصرف اصفهان، حکومت این شهر را به فردی فرهیخته از مردم نیشابور به نام خواجه عمید واگذار نمود. در سایه تدابیر طغرل و گماشته وی خواجه عمید بار دیگر تجدید حیات دوباره اصفهان آغاز گردید و بار دیگر بسیاری از مردم شهر که به جهت نا امنی و شیوع بیماری اصفهان را ترک کرده و به شهرهای روستاهای همجوار مهاجرت کرده بودند به اصفهان بازگشتند و بدین ترتیب دوباره و به تدریج جمعیت اصفهان افزایش یافت (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶). از دیگر اقدامات کارگزاران سلجوقی در جهت تأمین امنیت اصفهان، ترمیم خرابی‌ها، به‌ویژه ترمیم دیوارهای شهر بود. این حصار، در موقع لزوم، اصفهان را در برابر حملات اقوام مهاجم محافظت می‌کرد. حمله اقوام مختلف به اصفهان، از جمله مواردی بود که در این دوره به‌طور مکرر امنیت اصفهان را به مخاطره می‌انداخت. در این جهت، علاوه بر ایجاد و استحکام حصارهای محافظتی اصفهان، با اتخاذ تدابیری، به‌شدت با این حملات مقابله کردند؛ از جمله قاورد - حکمران کرمان - که در دوره آل اربل، ارسال، دائم به اصفهان هجوم می‌آورد، سرکوب شد (ستارزاده، ۱۳۸۵: ۵۹). آل اربل هم‌چنین، برای ایجاد فضای آرامش روانی بیشتر در شهر اصفهان و اعتمادسازی میان حکومت و مردم، در زمان حضور در اصفهان، علاوه بر نصب مأمورانی برای نظارت بر امور اقتصادی و تجاری (بایمت اف، ۱۳۸۳: ۵۵)، با تشکیل جلسات هفتگی دیوان مظالم، به دعاوی مردم علیه دولتیان رسیدگی و عمال دولتی که مردم از آنها

تکمیل کردند.

بررسی این دوره مؤید آن است که سلاجقه بزرگ، از ابتدا، با پی‌گیری الگو و تدابیر مشخص در صدد احیای دوباره توان اصفهان، به‌عنوان یکی از مراکز مؤثر اقتصادی و تجاری امپراطوری سلجوقی، بودند. این اقدامات، به‌طور پیوسته، استمرار داشته و مکمل یکدیگر بودند. در این میان، یکی از اولین تدابیر سلاجقه جهت بازیابی مجدد رونق شهر اصفهان، پس از گذر از یک دوره بحران، توجه به بازگرداندن امنیت و آرامش، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای رونق اقتصادی و تجاری شهر اصفهان بود.

۴. تأمین امنیت و ایجاد ثبات و آرامش

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، شهر اصفهان از اواخر دوره آل بویه تا تصرف آن توسط طغرل سلجوقی، روزگار خوشی نداشت. چنان‌که در جریان قحطی فراگیری که از سرزمین‌های شرقی و از حد هند و سند و ماوراءالنهر آغاز شد و دامنه‌اش به خراسان و جبال کشید و از اصفهان تا عراق نیز امتداد یافت، بیست‌هزار نفر از مردم اصفهان هلاک شدند (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۷۹). علاوه بر نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی، از نظر سیاسی نیز، اصفهان در این دوره وضعی اسف‌بار داشت. در این برهه، چون جانشینان علاءالدوله اصفهان را میدان تاخت و تاز و درگیری‌های خانوادگی قرار داده بودند؛ آرامش و امنیت از این شهر رخت بریست و گروه‌های بسیاری از مردم، اصفهان را ترک کردند (کسای، ۱۳۵۸: ۱۸۷). با تصرف اصفهان به‌دست طغرل و ایجاد حاکمیتی فراگیر بر ایران، به تدریج، تدابیری برای بازگرداندن ثبات سیاسی و امنیت و آرامش به این

۱۳۲۶: ۶۵). در واقع ملک‌شاه با استفاده از درآمدهای سرشار امپراتوری سلجوقی، کوشک‌ها و عمارات و بناهای عام‌المنفعه و آموزشی و قلاع متعددی در اصفهان و اطراف آن بنا کرد (آوی، ۱۳۲۸: ۲۶-۲۸) و نیز عمارتی رفیع، برای خزانه سلطنتی خود ساخت که جهت آن هزار هزار دینار صرف کرد (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۳۲)؛ همچنین منابع از ساختن پل‌هایی بر رودخانه زاینده‌رود، برای سهولت آمد و شد مردم، در دوره ملک‌شاه (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۲۳) خبر داده‌اند. بدون تردید، در طرح و اجرای این تدابیر، خواجه نظام‌الملک - وزیر دانشمند ملک‌شاه - نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است؛ چنان‌که برخی شکوه شهر اصفهان، در دوره ملک‌شاه، را مرهون کاردانی خواجه دانسته‌اند (غزالی، ۱۳۶۷: ۱۲۴). در واقع، به کارگیری وزیران کارآمدی چون خواجه نظام‌الملک و بهره‌گیری از خرد و کیاست آنان، گسترش و توسعه سریع قلمرو جغرافیایی امپراتوری سلجوقی را در این دوره به همراه داشت (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۲۹). مالیات‌های امپراتوری سلجوقیان نیز، که از چین تا سواحل شرقی مدیترانه و از شمال دریای خوارزم تا دشت قبچاق و آنسوی سرزمین یمن و دیگر مناطق تحت سلطه سلاجقه به شهر اصفهان سرازیر می‌شد (پیرنیا، بی‌تا: ۳۳۷)، صرف عمران و آبادانی هرچه بیشتر قلمرو سلجوقیان، به‌ویژه شهر اصفهان، می‌گردید. رونق سرشار اقتصادی در اصفهان، بی‌تردید افزایش آمد و شد تجار و افزایش عرضه کالا و در نتیجه ارزانی مایحتاج مردم و همچنین توسعه بیش از پیش عمرانی شهر را به همراه داشت. مافروخی در محاسن اصفهان در این باره چنین آورده است: «شهر در این موقع ۱۲ دروازه بزرگ داشت ... و به حدی

شکایت داشتند را به شدت مجازات می‌کرد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۶). این تدابیر در دوره ملک‌شاه نیز همچنان استمرار یافت. اهمیت این موضوع به‌ویژه از آن رو بود که در این دوره اصفهان به پایتختی ملک‌شاه برگزیده شد؛ همچنین اقدامات مؤثری نیز در جهت تأمین امنیت راه‌ها، از حملات راهزنان، انجام گرفت. سیاحان این دوره، ضمن سفر خود به اصفهان، از راهداران و سرهنگانی سخن رانده‌اند که در پرتو حضور آنها راه‌ها ایمن شده بود و خلق آسوده (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

تدابیر کارگزاران سلجوقی، برای تأمین امنیت و آرامش در اصفهان، با گسترش اقدامات عمرانی در این شهر همراه شده بود. پیامد اصلی این جریان در این برهه، افزایش ثبات روانی جامعه بود. این ثبات روانی، خود یکی از عوامل عمده در گردش سرمایه و رونق تجارت و کسب و کار بود. بنا به نوشته آوی، در این راستا، طغرل حدود پانصد هزار دینار خرج آبادانی شهر اصفهان و بنای عمارات در حوالی آن کرد و اماکن رفیع و مساجد و خانقاه‌ها در آنجا ساخت (آوی، ۱۳۲۸: ۹۷). آلب ارسلان نیز در مدت سلطنت خود، به ساخت بناهای رفیع و بلند در اصفهان فرمان داد. او معتقد بود که این یادگارها نشان بلندی همت و فراوانی ثروت و نعمت است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۸۹) و سرانجام ملک‌شاه که اصفهان را به پایتختی خود برگزیده بود، در صدد برآمد که از درآمدهای سرشار امپراتوری وسیع خود، که حاصل مالیات‌ها و باج و خراج‌ها و هدایایی بود که به سوی پایتخت روان بود، در جهت رونق اقتصادی و رفاه مردم بهره‌گیرد. اقدامات ملک‌شاه در این جهت چنان بود که مورخان، اصفهان زمان وی را با جنات عدن مقایسه کرده‌اند (الحسینی الیزدی،

در دوره ملکشاه نیز اجرا نگردید (بویل، ۱۳۶۶: ۲۴۲/۵).

سیاست معافیت‌های مالیاتی، در ادوار بعد نیز همچنان استمرار یافت و ملکشاه جهت تسهیل داد و ستد و رونق کسب و کار، تمامی مالیات‌های اضافی را برداشت و فرمان لغو مالیات‌های غیرمعارف انواع کالاهایی که بازرگانان در مناطق مختلف، همچون عراق و خراسان، خرید و فروش می‌کردند، را صادر نمود. وی همچنین کلیه باج‌های راه‌بانی و حفاظت را که از مسافران در سراسر قلمرو سلجوقی اخذ می‌کردند، ملغی کرد (بویل، ۱۳۶۶: ۵/۲۴۲).

علاوه بر معافیت‌های مالیاتی در این دوره، فعالیت‌هایی نیز، در جهت انطباق مالیات تجار و پیشه‌وران با درآمد ایشان، انجام گرفت؛ چنان‌که درآمد تاجران و پیشه‌وران در دفاتری مخصوص ثبت می‌شد و اگر درآمد آنان در یک‌سال به شانزده هزار دینار می‌رسید، مشمول مالیات می‌شدند (بایمت اف، ۱۳۸۳: ۵۵). در این دوره، استادان و پیشه‌وران از وام‌های نقدی نیز بهره می‌گرفتند (همان، ۵۲). اجرای این سیاست‌ها به تدریج، موجب بهبود فضای تولید و کسب و کار در اصفهان شد. از طرف دیگر، رونق تولیدات و گسترش داد و ستد و پیشرفت بازرگانی، به پیدایش نهادهایی برای تسریع و تسهیل روابط پولی و تجاری انجامید (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۸۵)؛ از پیامدهای این پیشرفت‌ها می‌توان دایرشدن صراف‌خانه‌ها و انجام امور صرافی در آنها را بیان کرد. برخی از سیاحان به حضور ۲۰۰ صراف در یکی از بازارهای اصفهان اشاره کرده‌اند (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶). این صرافان نقش عمده‌ای در گردش و چرخش پول و رونق تجارت ایفاء می‌کردند و

وسعت داشت که بزرگترین پیلان و مردان جنگی که سوار آنها می‌شدند و سلاح و پرچم با خود داشتند، به راحتی از آن می‌گذشتند. از جمله مفاخر و زینت شهر هزار کوشک و سرایی بود و کاروانسراهای عالی (مافروخی، ۱۳۱۲: ۱۱۳).

۵. اجرای سیاست‌های مالی و پولی در جهت رونق داد و ستد و تجارت

اصفهان، در آغاز قرن چهارم، به لحاظ اقتصادی و تجاری، از رونق قابل‌توجهی برخوردار بود؛ چنان‌که از این شهر، در منابع جغرافیایی این دوره، به‌عنوان بارکده (انبار کالا) و حتی فُرْضه (بندرگاه) منطقه فارس و جبال و خوزستان و خراسان یاد شده است (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۶؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۵). اما این رونق و رفاه اقتصادی، به دلایل مختلفی چون بروز بلایا و آشفته‌گی‌های سیاسی و طبیعی و...، تا پایان قرن چهارم استمرار نیافت و فعالیت‌های تجاری و کسب و کار مردم این شهر مختل شد. از مهم‌ترین سیاست‌های سلاجقه بزرگ، در جهت بازیابی فعالیت‌های تجاری و رونق فضای کسب و کار، برقراری معافیت‌های مالیاتی بود. در این جهت، طغرل پس از فتح اصفهان با صدور فرمانی، دستور بخشودگی مالیات سه ساله‌ای جهت مردم اصفهان صادر کرد که در دلگرمی مردم اصفهان و از سرگیری فعالیت‌های اقتصادی و تجاری سهم ارزنده‌ای ایفاء کرد (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶). آلب ارسلان همچنین جهت ایجاد آرامش روانی در جامعه و تشویق دولتمردان به سرمایه‌گذاری و کسب ثروت، رسم جریمه و مصادره اموال دولتمندان، که تا پیش از آن رسمی معمول در جهت کسب درآمد دولت بود، را ملغی کرد و برخی منابع معتقدند که این رسم

فروش در این شهر از سکه‌هایی از جنس طلا، به نام جوزایی استفاده می‌کردند. همچنین سکه دیگری نیز به نام زر درست اصفهانی، معروف به ارسلائی، در این شهر رایج بود که برای خرید و فروش‌های روزانه استفاده می‌شد (ترابی طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۱-۴۳).

۶. ساماندهی امور اصناف و بازار

شبکه بازارهای اصفهان، در جریان محاصره شهر توسط قوای سلجوقی، دچار خسارات بسیاری شدند. با تصرف اصفهان و نصب خواجه عمید به حکومت این شهر، و به مدد اتخاذ برخی تدابیر اقتصادی و مالی، بازارها حیاتی دوباره یافتند؛ چنان‌که در اندک زمانی، شبکه‌ای گسترده از بازارهایی که هر کدام متعلق به صنف خاصی بود، در اطراف مسجد جامع اصفهان ساماندهی شد و شروع به کار کرد. ناصر خسرو که در این دوره (۴۴۴ق) از اصفهان دیدار کرده، از بازارهای بسیار، با دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسراهای نیکو، با بیاعان و حجره‌داران بسیار حکایت کرده است. وی همچنین به کاروانی که با وی بود اشاره می‌کند که سیصد خروار بار داشته و بدون هیچ مانع و تعذری در شهر فرود آمده است (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶). از طرف دیگر وجود تمهیداتی چون شبکه‌های صنفی نظامند و وجود بازارهای مخصوص هر صنف، رونق کار صنعتکاران و رونق کسب و کار در این دوره را دوچندان نموده بود. این شبکه‌های صنفی مرکب از استادان و خلیفه‌ها و شاگردان بود که از لحاظ حقوقی آزاد شمرده می‌شدند (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۲۵۰). هر صنف رئیس خاص خود را داشت که وظیفه او جمع‌آوری

تاجرانی که عازم شهر دیگری بودند، برای حفاظت پول خود از خطرات موجود در راه، پولشان را به صرافان سپرده و از آنان چکی دریافت می‌کردند و سپس صرافان شهری که مقصد تاجر بودند وجه چک را پرداخت می‌کردند. در منابع اشاره شده که گاه مبلغ چک‌های تاجر ثروتمند بوسیله صرافان خیلی سریع‌تر از آن مدتی که خراج وصول می‌کردند، پرداخت می‌شد (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۲۵۰). در این زمان، بزرگترین صرافان در اصفهان، اغلب از یهودیان بودند. یهودیان اصفهان تجارت بین‌المللی را به عهده داشته و با صرافان بیرون از ایران نیز ارتباط نزدیک داشتند و نقش فعالی نیز در تجارت بین‌المللی ایفاء می‌کردند (بایمت اف، ۱۳۸۳: ۵۵).

در این دوره همچنین، جهت سهولت بیشتر در مبادلات کالا و داد و ستد، ضرابخانه‌های اصفهان که قدمت آنها به دوره ساسانی می‌رسید (مشیری، ۱۳۵۲: ۸۸) دوباره دایر شد و به ضرب سکه پرداختند. به گفته برخی از منابع، در همین دوره به دستور طغرل، پس از فتح اصفهان مبالغ هنگفتی از دینارهای طلای باکیفیت را ضرابخانه‌ها ضرب کردند. در این سکه‌ها، علاوه بر کنیه و لقب سلطان و نام خلیفه، به تاریخ ضرب و محل ضرب - یعنی اصفهان - نیز اشاره شده است (وثیق، ۱۳۸۷: ۱۱۱). ضرب سکه، به‌ویژه دینارهای طلا، در ضرابخانه‌های اصفهان، در دوره آلب ارسلان و سپس ملک‌شاه سلجوقی، همچنان استمرار یافت. برخی برآنند که ضرب منظم سکه‌های طلا به معنی قدرت اداری و مالی بالای حکومت و رونق تجاری شهرهای ضرب‌کننده بود (یاراحمدی، ۱۳۸۹: ۴۱). رونق اقتصادی اصفهان در این دوره به حدی بود که برای معاملات و خرید و

می‌توان به ظرف‌های چینی و حلبی، جواهر بحرین، عاج هند، دیبای رومی، تحفه چین، چوبینه طبرستان، خز کوفه و پوستین خراسان (آوی، ۱۳۲۸: ۵۳-۶۵) اشاره کرد.

نظارت مستمر بر تجارت و کسب و کار رایج در بازار اصفهان از مهم‌ترین تدابیر این دوره بود که از جانب مأموران مخصوصی انجام می‌گرفت. این مأموران تحت نظر محتسب انجام وظیفه می‌کردند. وظیفه این مأموران، به گفته خواجه نظام‌الملک، به طور کلی نظارت بر صحت عیار سکه‌ها، وزن سنگ‌های توزین و صحت کیل‌ها و امر به معروف و نهی از منکر بود (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۶۰). رؤسای اصناف مختلف نیز، در کنار این مأموران، بر معاملات پولی با هدف که امکانی برای رباخواری فراهم نشود، هم نظارت می‌کردند (بایمت اف، ۱۳۸۳: ۵۵).

۷. تأکید بر بهره‌برداری بهینه از توان کشاورزی و دامی اصفهان

اصفهان در قرون چهارم و پنجم، از جمله قطب‌های کشاورزی ایران بود. این توانمندی، بدون تردید، در سایه وجود برخی از امکانات طبیعی و جغرافیایی میسر شده بود؛ چنان‌که در اکثر منابع در این باب این‌گونه اشاره شده است: «خاک اصفهان سالم است و آبش گوارا و هوایش خوب و حشراتش اندک. در آنجا حبوبات چندین برابر شهرهای دیگر ماند کند» (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۴). در این جهت، جریان مداوم زاینده‌رود از مهم‌ترین دلایل مؤثر در کشاورزی پرورونق اصفهان در این دوره به‌شمار می‌رفت. ابن‌حوقل نیز در این زمینه می‌نویسد: «همه مزارع و روستاهای اصفهان با آب زاینده‌رود آبیاری می‌شد و

و تقسیم مالیات و باج و خراج اعضای خود و نیز برقراری نظم و مقررات بود (بویل، ۱۳۶۶: ۵ / ۲۶۵-۲۶۶)؛ از طرف دیگر ایجاد برخی امکانات در بازارها، همچون کاروانسراها، تسهیل امور تجاری و بازرگانی را در پی داشت. تعدد این کاروانسراها چنان بود که به نوشته ناصر خسرو در کوچه کوطراز اصفهان، پنجاه کاروانسرا دایر بود که در هریک بیاعان (فروشنندگان) و حجره‌داران نشسته بودند (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶). کاروانسرا هم جایگاهی برای ارایه و فروش عمده کالا بود و هم مهمانسرای برای پذیرایی تجار تازه وارد و بیگانه که به قصد معامله و انجام داد و ستد راهی اصفهان شده بودند. در این بازارها، علاوه بر کاروانسراهای بزرگ و کوچک، امکانات دیگری چون حمام، سقاخانه و مسجد و دیگر امکانات رفاهی، جهت خریداران و فروشنندگان، موجود بود. چنان‌که تنها در بازار مظفریه اصفهان در کنار حدود ۴۰۰ دکان و حجره این بازار، کاروانسراهای بزرگ و مجهز جهت رفاه حال و استراحت مسافران و خریداران و فروشنندگان فراهم شده بود. (آوی، ۱۳۲۸: ۵۴-۵۵، ۶۳). در این بازارها خرید و فروش هر روز، به جز جمعه و تعطیلات مذهبی، برقرار بود. علاوه بر بازارهای مرکز اصفهان، عمده‌فروشان صادرکنندگان و بازرگانان دوره‌گرد در بازار یا کاروانسراهای اطراف شهر اصفهان به خرید و فروش مشغول بودند (بویل، ۱۳۶۶: ۵ / ۲۶۵). محصولات چمن زعفران، عسل، انواع پارچه و پرده از صادرات عمده تاجران شهر اصفهان بود (قزوینی، ۱۳۶۶: ۸۱). واردات اصفهان نیز شامل کالاهایی بود که در این شهر وجود نداشت یا در سایر مناطق با کیفیت بهتری تولید می‌شد؛ از جمله این کالاها

نظارت مستقیم دولت قرار داشت (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۲۴). بخش‌هایی نیز که به اقطاع داده شده بود، اداره آنها با نظارت کامل دیوان مرکزی همراه بود (بویل، ۱۳۶۶: ۲۳۰/۵).

مساعدت شرایط طبیعی و جغرافیایی، به همراه برخی از تدابیر یادشده از سوی کارگزاران سلجوقی، اصفهان را در زمینه تولید و صدور انواع محصولات کشاورزی، به یکی از قطب‌های تجاری ایران آن زمان مبدل کرده بود. یکی از مهم‌ترین محصولات کشاورزی و صادراتی اصفهان در این دوره، زعفران بود. بررسی منابع مؤید آن است که کشت این محصول، در اصفهان، قدمت دیرینه دارد؛ چنان‌که حجاج در پاسخ به ناخشنودی والیی که به اصفهان اعزام کرده بود، گفته بود که: «شهری را به تو دادم که سنگ آن سرمه، مگس آن زنبور و گیاه خشکش زعفران است» (یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۱/ ۲۶۲). در این دوره همچنین کشت انواع غلات و حبوبات و برنج رواج کامل یافت (حاسب کرجی، ۱۳۸۸: ۲۹۵). به نظر می‌رسد که از جمله دلایل رواج حبوبات در این برهه، وجود شرایط طبیعی مؤثر در نگهداری حبوبات، همچون خشکی هوای اصفهان و جلوگیری از فاسد زودرس آنها بود. در این مورد ناصر خسرو می‌نویسد: «وگفتند که اگر گندم و جو و دیگر حبوبات بیست سال بنهند، تباه نشود» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۷). علاوه بر انواع سبزیجات و صیفی‌جات، همچون خیار و بادنجان (مافروخی، ۱۳۱۲: ۹۱)، اصفهان مرکز تولید و صدور انواع میوه، از جمله گلابی، انار، هلو، زردآلو و انگور، به (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۰۳؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۸) و به‌ویژه به خریزه بود که، به‌گواهی منابع، بهترین خربزه ایران به‌حساب می‌آمد (پیکولوسکایا، ۱۳۵۴:

درختان گوناگون و گل‌های رنگارنگ با آن رود رشد و نمو می‌کرد» (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۱). به نظر می‌رسد آنچه بهره‌برداری از این رودخانه را در این دوره بهینه کرده بود، مدیریت برداشت از آب رودخانه و تقسیم‌بندی آب آن جهت مصارف کشاورزی بود. اگرچه گاه، بنا بر اشتها، تقسیم‌بندی آب زاینده‌رود را به دوره صفوی و شیخ بهایی نسبت داده‌اند، اما بررسی منابع قرون چهارم و پنجم مؤید آن است که قدمت این تدبیر مؤثر، به زمان‌های قبل از این دوره باز می‌گردد. بررسی این منابع گویای آن است که آب زاینده‌رود، پس از ورود به اصفهان، بر حسب حق مشرب زمین‌ها و روستاهای مختلف، تقسیم‌بندی و بدین صورت از اتلاف آب جلوگیری می‌شد (همان: ۱۰۹). کارگزاران سلجوقی در این دوره علاوه بر تأکید و رعایت این تقسیم‌بندی در استفاده از آب زاینده‌رود، در مناطقی که به لحاظ بعد مسافت، امکان دسترسی به آب زاینده رود را نداشتند - با ایجاد چاه - امکاناتی جهت آبادانی مزارع و روستاها فراهم می‌کردند. از دیگر اقدامات انجام شده در این زمینه، احداث قنات‌های متعدد بود که در نتیجه آن، مساحت اراضی مزروعی افزایش می‌یافت (پیکولوسکایا، ۱۳۵۴: ۲۳۷). روستاهای متعددی از این روش بهره‌مند می‌شدند که از جمله آنها می‌توان به روستای برخوار اشاره کرد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۹).

در دوره سلجوقی، اگرچه سیستم دادن اقطاع رواجی کامل داشت اما به‌ویژه تا پایان دوره ملک‌شاه و به‌منظور بهره‌وری بهینه از اراضی، در کار نظارت بر اقطاع‌داران در شهر اصفهان و اراضی همجوار آن، اهتمام ویژه‌ای مبذول شد؛ چنان‌که برخی از اراضی خاص در اصفهان و حومه آن به اقطاع داده نشد در

ابریشم بافی به یکی از مهم‌ترین صنایع شهر اصفهان مبدل شد.

۸. حمایت و تشویق صنایع مختلف

حمایت از صنایع مختلف، از طرف دربار سلجوقی، از دیگر عوامل رونق اقتصادی اصفهان در این دوره بود؛ چنان‌که صنعتگران برخی از صنایع با قدمت در اصفهان، با استفاده از آرامش و امنیت ایجاد شده و تشویق‌های دربار سلجوقی، نسبت به اعتلاء و بهینه کردن صنعت خود اهتمام ورزیدند. این جریان، به‌ویژه، در صنعت پارچه‌بافی از نمود خاصی برخوردار بود. در این جهت، مردم اصفهان که از دیرباز در بافت و صدور پارچه‌های ابریشمی (عتابی)، وشی و کرباس‌های نیکو مهارت داشتند (حدود/العالم...، ۱۴۲۳: ۱۵۱)، در دوره سلجوقیان تغییراتی در صنعت پارچه‌بافی پدید آوردند؛ به گونه‌ای که در بافت پارچه‌ها از شیوه‌های چینی، که در آن گیاه و پرنده و حیوان بود، و شیوه‌های اسلامی، در به‌کارگیری شاخ و برگ درختان و طرح‌های حاشیه‌دار، استفاده کردند. قسمت عمده این پارچه‌ها، به‌ویژه پارچه‌های ابریشمی و زریفت، از اصفهان به بلاد دیگر صادر می‌شد (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۲۴؛ پیکولوسکایا، ۱۳۵۴: ۲۴۰). از دیگر صنایع پررونق این دوره در اصفهان، همچنین می‌توان به صنایع فلزکاری، عاج‌تراشی، آبنوس‌سازی و سفال-کاری اشاره کرد (آوی، ۱۳۲۸: ۸۳). سفالگران در این دوره، با حمایت دربار سلجوقی، باشکوه‌ترین نوع سفالگری اسلامی و در کل، عالی‌ترین نوع آن را به‌وجود آوردند (حلمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). غیرمسلمانان ساکن در اصفهان نیز نقش فعال در رونق این شهر داشتند. یهودیان اصفهان در این زمان به فعالیت‌های

۲۳۸) که بسیاری از این میوه‌ها صادر می‌شد (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۴؛ حدودالعالم، ۱۴۲۳: ۱۴۰). علاوه بر این، با دایر کردن کارگاه‌های تولید آب میوه، این محصول نیز به یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی اصفهان مبدل شد. از نکات قابل توجه آنکه، آب میوه‌های تولید شده در اصفهان، با برچسب میوه و تولیدکننده آن صادر می‌شد. آب - میوه مصرفی بغداد را اصفهان تأمین می‌کرد؛ همچنین شراب اصفهان، بخشی از صادرات این شهر بود که یهودیان نقش فعالی در تهیه و تولید آن ایفا می‌کردند (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۹).

اصفهان همچنین، به‌واسطه وجود علفزارهای فراوان (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۶)، از مناطق مستعد برای دامداری به‌حساب می‌آمد؛ چنان‌که پرورش اسب و گاو و گوسفند از جمله اشتغالات مردم این نواحی بود. بنا بر روایات، روزانه قریب دوهزار گوسفند و صد گاو نر به بازار اصفهان آورده و ذبح و فروخته می‌شد که مقداری از این محصولات دامی نیز به دیگر ولایات صادر می‌شد (مافروخی، ۱۳۱۲: ۹۱) و این ارقام، حکایت از آن داشته که شهر اصفهان، در این دوره، تا چه اندازه پرجمعیت بوده است (پیکولوسکایا، ۱۳۵۴: ۲۵۱).

از دیگر اشتغالات مردم اصفهان پرورش زنبور عسل بود. در بسیاری از منابع، از عسل اصفهان این دوره، به‌عنوان بهترین عسل، یاد شده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۳۱-۲۷۵) که این موضوع بی‌تردید، مدیون وجود باغ‌های فراوان و گل‌های زیبا و متنوع بود. نوغان‌داری و پرورش کرم ابریشم نیز، که از دیرباز در اصفهان رواج داشت، در دوره سلجوقیان، به سبب توجه به این امر، همچنان استمرار یافت (لافون، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۰)؛ چنان‌که در این دوره

اغراق دارد، اما گویای اعتلا و شکوفایی اقتصادی اصفهان عهد سلجوقی است؛ چنان‌که آورده‌اند: روزی ملک‌شاه خواست از میزان ثروت مردم پایتخت (اصفهان) آگاه شود و، به پیشنهاد نظام‌الملک، قرار شد که ثروتمندان اصفهان مبلغ گزافی برای رفع حواجی سلطنت بپردازند. پیرزنی به دربار نامه نوشت و پرداخت آن وجه را تقبل کرد. و نیز گفته‌اند که در دوره ملک‌شاه، ثروت مردم پایتخت تا آنجا رسیده بود که همه‌روزه صبحگاهان، در خانه‌های خود را با آفتاب طلا آب می‌پاشیدند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۸).

۹. رکود اوضاع اقتصادی و تجاری اصفهان پس از

سلاجقه بزرگ

پس از مرگ خواجه نظام‌الملک و سپس ملک‌شاه سلجوقی، سلسله سلجوقی به دلیل درگیری‌ها و رقابت‌های ناشی از جانشینی، در سراسری سقوط و انحطاط افتاد و بخش عمده‌ای از تاریخ اصفهان، در این دوره، به مسائل جانشینی فرزندان ملک‌شاه - یعنی محمود، که مادرش ترکان‌خاتون از او حمایت می‌کرد، و برکیارق، که طرفداران نظام‌الملک با او بودند - گذشت و هزینه‌های زیادی از خزاین انباشته در اصفهان، صرف این درگیری‌ها شد (بنرداری، ۱۳۵۶: ۹۳)؛ چنان‌که ترکان‌خاتون برای اعلان سلطنت محمود، همه ذخایر اصفهان را پراکنده نمود. به دنبال آن، برکیارق مبالغ فراوانی از باقی‌مانده خزانه را، در محاصره اصفهان، میان امرا و سپاهیان تقسیم کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۰۰). در اختلاف بین برکیارق و برادرش محمود، سرانجام محمود به پیروزی رسید و برکیارق زندانی شد. اما محمود نیز خیلی زود پس از این ماجرا وفات یافت و برکیارق قدرت را به دست گرفت. (بوئل، ۱۳۶۶: ۲۴۷/۵). در

سودآور بازرگانی، و حیرتی چون سلاخی، دباغی و نساجی می‌پرداختند (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۲۹). وجود معادن فراوان در اصفهان، به‌ویژه معادن طلا و نقره، از جمله عواملی بود که موجب شده بود صنعتگران اصفهانی در دوره سلجوقی، در زمینه ساخت زیورآلات طلا و نقره از مهارت خاصی برخوردار شوند (آوی، ۱۳۲۸: ۵۳). در روستای تیمره صغری نقره و در تیمره کبری طلا وجود داشت (آوی، ۱۳۲۸: ۳۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۹۴). از دیگر معادن اصفهان، باید از معادن مس خالص، قیر، مومیایی، گچ، سنگ زاج و فلزات دیگری چون سرب یاد کرد. معادن نمک به رنگ‌های مختلفی چون سفید روشن، سرخ درخشان، زرد و سبز (انصاری دمشقی، ۱۳۵۸: ۱۱۷) از دیگر معادن اصفهان بود که در کنار صدور محصولات آن، موجب افزایش اشتغال‌زایی جهت عامه مردم و رونق زندگی کارگران شده بود. معادن در این دوره، به دولت تعلق داشت که توسط دولت به افراد، به اجاره، داده می‌شد و مالیاتی تا حدود ثلث مقدار استخراج شده، تمهیداتی چون سهولت واگذاری جهت استخراج و تخفیف‌های مالیاتی همه موجب شده بود که روند رونق اقتصادی اصفهان سرعت پیدا کند. به تدریج روند آبادانی و رونق اقتصادی اصفهان، به جایی رسید که برخی از سیاحان این دوره معتقدند که در همه زمین پارسایان، شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان نبوده است (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۷). بی‌تردید مجموعه شرایط فراهم شده در اصفهان، این شهر را به یکی از ثروتمندترین شهرهای قلمرو سلجوقی مبدل کرده بود. در زمینه ثروت اصفهان در این دوره، اشارات فراوانی در منابع موجود است که، اگرچه گاه رنگ

اگرچه در ابتدای دوره محمد بن ملکشاه، برای مدتی کوتاه اوضاع اقتصادی وضعیت بهتری یافته بود (کاتب اصفهانی، ۱۹۷۴: ۱۴۲) اما اوضاع به این منوال ادامه نیافت و با افزایش واگذاری ایالات، به عنوان اقطاع، میان امرا و سپاهیان و ضعف قدرت حاکمه، خزانه سلطان محمود بن محمد و سلطان مسعود بیشتر اوقات خالی شد. بار مالیاتی نیز به مردم شهر، که بیشتر کشاورز و دامپرور بودند، فشارمی آورد. منابع این دوره از مشکلات مالی دوره محمود بن محمد و محدودیت قلمرو وی، تعطیلی دیوان مالیات، مصادره و ضبط اموال مردم و بروز فقر و نداری در حوزه حکومتی وی، به ویژه اصفهان، سخن گفته اند (بنداری، ۱۳۵۶: ۱۵۶). بدین ترتیب، با مرگ ملکشاه و پریشانی اوضاع سیاسی، اوضاع اقتصادی و تجاری شهرهای مهم امپراطوری وسیع او و به ویژه اصفهان نیز دچار رکود و افول شد. با بالاگرفتن نبردها و زد و خوردها و نبود امنیت در شهرهای بزرگ و راهها، نه تنها آمد و شد کاروان-های تجاری نیز دچار اختلال گردید بلکه بیشتر وقت مردم، به جای صنعتگری و تجارت، صرف درگیری های مذهبی و فرقه ای می شد. این جریان همچنان برای سالیانی متمادی بلای جان مردم اصفهان شد و اقتصاد شکوفای این شهر را، بار دیگر، در سراسیمه افول قرار داد.

۱۰. نتیجه گیری

اصفهان در طول حیات تاریخی خود ادوار مختلفی را از سر گذرانیده است. بی تردید یکی از ادوار درخشان تاریخ این شهر دوره حکومت سلاجقه بزرگ بود. در این دوره سلاطین سلجوقی بادرک شرایط مساعد طبیعی و جغرافیایی اصفهان توانستند

این زمان محمد پسر دیگر ملکشاه نیز سر به شورش برداشت و شورش وی تا پایان حکومت برکیارق (۴۹۸ق) ادامه یافت. پس از مرگ برکیارق، سلطان محمد تا سال ۵۱۱ق پادشاهی کرد. در زمان این دو پادشاه، اصفهان همچنان مرکز حکومت بود اما اعتبار و رونق قبل را نداشت. در واقع، محمد آخرین پادشاه سلجوقی بود که بر تمام قلمرو سلجوقیان در عصر ملکشاه حکومت کرد و پس از وی قلمرو سلجوقیان به شدت دچار تجزیه و گسست شد.

اوضاع پریشان سیاسی پس از مرگ ملکشاه، جنگ های متوالی شاهزادگان بر سر کسب قدرت و بالاگرفتن دخالت امرای دولتی در امور سلطنتی (کلوزنر، ۱۳۸۹: ۱۱۲)، زمینه سر بر آوردن مجدد گروه های معارض مذهبی، چون اسماعیلیه، را در اصفهان فراهم آورد. اسماعیلیان، در دوران درگیری شاهزادگان سلجوقی، توانستند قلعه کهندژ را، که ملکشاه بنا کرده بود، تصرف و به مقر خود تبدیل کنند (ستارزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۳). در کنار بالاگرفتن فعالیت اسماعیلیان، اختلافات فرقه ای حنبلیان و شافعیان نیز بار دیگر شدت گرفت. بدین ترتیب آشوب بزرگی در اصفهان ایجاد گشت و بسیاری کشته شدند و بسیاری از خانه ها و بازارها آتش گرفتند و ویران شدند. در این زمان، بار دیگر رسم جریمه و مصادره اموال مستخدمان دولت و دولتمندان از سر گرفته شد؛ در واقع، این اقدام به واسطه کساد فزاینده مالی و بعضاً به علت نادرستی و فساد طبقه کارگزار دولتی صورت گرفت (بویل، ۱۳۶۶: ۲۴۲/۵). بالاگرفتن فساد و رشوه خواری و شیوع ناامنی و بی ثباتی نیز از دیگر عوامل مخربی بود که در این زمان بلای جان حیات اقتصادی اصفهان شد (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۶۲-۱۶۵).

میان درباریان بر سر جانشینی ملک‌شاه و صرف درآمدهای خزانه در این جهت، فضای اصفهان را به شدت متشنج کرده و امنیت مورد نیاز کسب و کار و تجارت را تباه ساخته بود. بالا گرفتن این منازعات با شدت گرفتن درگیرها میان حنفیان و شافعیان و گسترش فعالیت اسماعیلیان در اصفهان همراه شده بود. در این درگیری‌ها صنعت و کشاورزی این شهر به شدت آسیب دیده قیمت محصولات کشاورزی و سایر مایحتاج عمومی افزایش یافته و قدرت خرید مردم نیز کاهش یافت. بدین ترتیب بار دیگر رشد و رونق اقتصادی بدنبال بروز ناآرامیهای سیاسی از این شهر تاریخی رخت بر بست.

منابع

- آوی، حسین بن محمد (۱۳۲۸). ترجمه محاسن اصفهان. به اهتمام عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۵). الکامل. ترجمه محمد باستانی پاریزی. تهران: دنیای کتاب.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶). صورة الارض. ترجمه و تصحیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن رسته، محمد بن عمر (۱۳۶۵). اطلاق النفسه. ترجمه حسین قرچانلو. تهران: امیرکبیر.
- ابونعیم اصفهانی، حافظ (۱۳۷۷). ذکر اخبار اصفهان. ترجمه نورالله کسایی. تهران: سروش.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۴۹). تقویم البلدان. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: وزارت خارجه.

با در پیش گرفتن تدابیری ویژه موجب تجدید حیات دوباره این شهر شدند. از نخستین تدابیر حکومت سلجوقی در جهت ساماندهی امور اقتصادی و تجاری شهر اصفهان، اقداماتی چون برقراری امنیت و گسترش اقدامات عمرانی و نصب کارگزاران کاردان و سیاستهای تشویقی چون کاهش و لغو برخی از مالیاتها بود. در سایه این اقدامات و تسهیل شرایط داد و ستد بتدریج بازار و کسب و کار رونق یافته و زمینه افزایش تولیدات و صدور آنها فراهم شد. با آغاز دوره پادشاهی ملک‌شاه و وزرات خواجه نظام الملک که بی تردید اوج اعتلای دولت سلجوقی بود، اصفهان نیز به عنوان پایتخت و مرکزیت سیاسی سلاجقه برگزیده شد. با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت سلجوقیان، رشد و رونق دوباره این شهر که از دوره طغرل سلجوقی آغاز شده بود شتابی بیشتر گرفت. گسترش اقدامات عمرانی، ساختن بناهای متعدد، کاروانسراها، ایجاد امنیت در راهها و جاده‌های تجاری، برقراری نظم و اجرای احکام دینی و قوانین گمرکی و مالیاتی و رسیدگی به امور کشاورزی از جمله اقدامات سلاجقه در این برهه در اصفهان بود. علاوه بر اقدامات سلاجقه در جهت شکوفایی شهر اصفهان، رسیدن خراج و انواع مالیات‌ها و هدایا از سوی حاکمان شهرها و کشورهای تابعه به خزانه پایتخت، موجب وفور ثروت و آبادانی این شهر شده بود. سیاحان و جغرافیادانانی که در این دوره از اصفهان دیدار کرده‌اند پیوسته از رونق اقتصادی این شهر و بازارهای آبادان آن با اصناف گوناگون و امتعه متنوع در این دوره حکایت کرده‌اند. اما این رونق و شکوفایی اقتصادی و تجاری پس از مرگ ملک‌شاه استمرار نیافت. در این دوره بروز درگیری و اختلاف

حدود العالم المشرق الى المغرب (۱۴۲۳ق). قاهره: الثقافة للنشر.

حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). سنی ملوک الارض و الانبیاء. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

الحسینی یزدی، محمد (۱۳۲۶). العراضة فی الحکایة السلجوقیة. مصر: المعارف.

حلمی، احمد کمال الدین (۱۳۹۰). دولت سلجوقیان. ترجمه عبدالله ناصر طاهری. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خواجه نظام الملک، ابوعلی حسن (۱۳۴۷). سیرالملوک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

خواندمیر، غیاث الدین بن هماد (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. تهران: خیام.

خیراندیش، عبدالرسول و خلیفه، مجتبی (۱۳۸۶). تجارت دریایی در دوره سلجوقی. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). شماره ۶۵، ص ۷۱-۹۲.

دریایی، تورج (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.

راوندی، محمد (۱۳۶۴). راحة الصدور و آية السرور. تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر.

ستارزاده، ملیحه (۱۳۸۵). سلجوقیان. تهران: سمت.

سلطانزاده، حسین (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: امیرکبیر.

سعیدی، عباس (۱۳۷۹). «اصفهان». دانشنامه ایران. تهران: بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلام، ص ۱۵۶-۱۹۹.

شفقی، سیروس (۱۳۸۱). جغرافیای اصفهان. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

صدقی، ناصر (۱۳۸۷). بررسی تجارت مسافره در ایران عهد سلجوقی. مجله ادبیات و علوم انسانی

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷). مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

انصاری دمشقی، محمد بن ابی طالب (۱۳۵۷). نخبة الدهر فی عجائب البرو البحر. ترجمه سید حمید طبیبیان. تهران: اساطیر.

بایمت اف، لقمان (۱۳۸۳). شهر، تجارت و پیشه‌وری در عصر سلجوقیان. مجله کتاب ماه. شماره ۸۰-۸۱.

بنرداری اصفهانی (۱۳۵۶). زیادة النصر و نخبة العصر. ترجمه محمد حسین جلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ.

بویل، جی. آ (۱۳۶۶). تاریخ ایران کمبریج. ترجمه حسن انوشه. ج ۵. تهران: امیرکبیر.

پیرنیا، حسن (بی تا). تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه. تهران: خیام.

پیکولوسکایا، ن. و (۱۳۵۴). تاریخ ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: خیام.

ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۷۳). سکه‌های اسلامی ایران. تبریز: مهد آزادی.

ترکمان، اسکندریک (۱۳۸۷). عالم آرای عباسی. به تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۳۶۸). لطائف المعارف. ترجمه علی اکبر شهابی. مشهد: آستان

قدس رضوی.

جابری انصاری (۱۳۲۱). تاریخ اصفهان و ری. اصفهان: عمادزاده.

چکنگی، علیرضا (۱۳۷۵). راه ابریشم. مشهد: آستان قدس رضوی.

حاسب کرجی، ابوبکر محمد بن حسن (۱۳۸۸). انباط المیاء الخفیة "استخراج آبهای پنهان". ترجمه

حسین خدیوجم. مشهد: آستان قدس رضوی.

- دانشگاه اصفهان. شماره ۵۳. دوره ۲۲، ص ۵۹-۸۰.
- غزالی، امام محمد (۱۳۶۷). *نصیحة الملوك*. تصحیح جلال همایی. تهران. هما.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین (۱۹۷۴). *تاریخ دولت آل سلجوق*. تصحیح محمد العزاوی. قاهره: المكتبة الشریقة.
- کجباف، علی اکبر (۱۳۸۶). *بررسی علل کشمکش‌های مذهبی میان خجندیان و صاعدیان در اصفهان عصر سلجوقی*. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). سال ۱۷. شماره ۶۵، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- کسای، نورالله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: دانشگاه تهران.
- کلوزنر، کارلا (۱۳۸۹). *دیوانسالاری در عهد سلجوقی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
- لافون، ف. (۱۳۷۲). *صنعت نوغان در ایران*. ترجمه جعفر خمایی‌زاده. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- لسترنج، گای (۱۳۳۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتون، ان (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
- مارکورات، یوزف (۱۳۸۳). *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: طهوری.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد (۱۳۱۲). *محاسن اصفهان*. تصحیح جلال‌الدین تهرانی. تهران: مجلس.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۲). *نزهة القلوب*. به کوشش سید محمد دبیر سیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۲). *سفرنامه*. به کوشش نادر وزین‌پور. تهران: علمی و فرهنگی.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). *سلجوقنامه*. تصحیح محمد رضانی. تهران: خاور.
- وثیق، منصوره (۱۳۸۷). *دنانیر*. تبریز: ستوده.
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰). *گنجینه آثار باستانی اصفهان*: چاپخانه امامی.
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۸۳). *اصفهان*. تهران: علمی و فرهنگی.
- یار احمدی، مهدی (۱۳۸۹). *سکه‌های دوره مغول*. مجله رشد آموزش. شماره ۳۸، ص ۳۹-۴۲.
- یاقوت حموی (۱۹۵۵). *معجم البلدان*. بیروت: بی‌نا.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۶). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سلجوقیان*. تهران: دانشگاه پیام نور.